

رئیس جمهور: قدرت نظامی ما برای دفاع و مقابله با تروریسم است

در ادامه رایزنی‌های دو جانبه رئیس جمهور کشورمان در نیویورک، دکتر روحانی روز گذشته به طور جداگانه با رؤسای جمهور فرانسه و سوئیس و نخست‌وزیران ژاپن، انگلیس، نروژ، ارمنستان، بلژیک و مالزی دیدار کرد (صفحه ۲

- ویژه‌های جوان
 - عطر بانفر: رفع حصر دغدغه مردم نیست
 - موسوی تبریزی علیه تاج‌زاده!
- صفحه ۲

یادداشت‌های امروز

۱. استبداد سکولار و روشنفکران دینی
غلامرضا صادقیان
۲. پیام اقتدار ایران بزرگ‌ترین دستاورد
سخنرانی رئیس جمهور / حسن روشند
۱۵. پاسخ آسیایی به ترامپ با نشست تهران
سید رحیم لاری

حمله انقلابی مورالس به ترامپ در دفاع از ایران

ریاست نمایشی ترامپ بر شورای امنیت در غیاب ایران با دفاع انقلابی رئیس جمهور بولیوی از مواضع ایران و مخالفت دیگر کشورها با خروج امریکا از برجام مواجه شد

اوو مورالس، رئیس جمهور بولیوی در نشست شورای امنیت دفاع تمام‌قندی از ایران کرد و گفت: در سال ۱۹۵۳، دولت امریکا اقدام به تأمین مالی، برنامه‌ریزی و اجرای کودتایی علیه دولت منتخب مردمی ایران کرد که با اجرای مشروع حق حاکمیت خود تولید نفت خود را ملی کرد. بعد از آن، دولت امریکا از حکومتی مستبد حمایت کرد که اجازه می‌داد منافع ناشی از تولید نفت به جیب شرکت‌های غیر ایرانی برود

اکنون که ایران کنترل منابع خود را به دست گرفته بار دیگر قربانی توی محاصره امریکا شده است. دولت بولیوی، با قاطعیت اقدامات یکجانبه دولت امریکا علیه ایران را محکوم می‌کند. خروج دولت امریکا از برجام را محکوم می‌کنیم. دولت امریکا با خروج از برجام، پشت پنهان‌ها برای دخالت در امور داخلی ایران پنهان شده است

رئیس جمهور فرانسه: من مطمئنم همه ما که در اینجا هستیم هدف یکسانی در خصوص ایران داریم و آن این است که ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند. برجام کامل نیست اما یک گام قاطع است. با این حال به رغم بحران بی‌اعتمادی و به وجود آمده بعد از اعمال مجدد تحریم‌های امریکا علیه ایران، تهران به تعهدات خود مطابق برجام عمل کرد | صفحه ۱۵



شمخانی: تروریسم اقتصادی امریکامعیشت مردم را نشانه رفته است

مقابله شرق با ناامن سازی امریکا در آسیا

چین، روسیه، هند، ایران و افغانستان برای مقابله با برنامه‌های تروریستی و ناامن‌سازی امریکا علیه آسیا در تهران گرد هم آمدند | عکس: کینوش محبیان | لینا | صفحه ۲

وزارت نفت در خدمت پتروشیمی رانت خوار!

خوراک پتروشیمی‌ها را که متعلق به بیت‌المال است مفت به پتروشیمی‌هایی می‌دهیم که از عرضه ارز حاصل از صادرات به بازار و سامانه نیما خودداری می‌کنند!



فرمانده کل سپاه:

تمسخر ترامپ در سازمان ملل رسوایی بزرگ سیاسی بود

صفحه ۲



برادر جانباز شهید حسین منجری در گفت‌وگو با «حیوان»:
**کودک چهار ساله و جانباز ویلچری
به کدامین گناه کشته شدند**
همین صفحه

یادداشت سربزرگ غلامرضا صادقیان

انتشار دو مطلب در گذرگاه‌های تلگرامی عبدالکریم سروش و مصطفی ملکیان در روزهای اخیر اگرچه ظاهراً به یکدیگر ربطی ندارند، اما من رابطه‌های بین آنها می‌بینم که اتفاقاً رابطه‌های عمیق است و معتقدم این دو مطلب را باید در عمل با هم دید و با هم فهمید. مطلب سروش در یک فایل ۵۹ ثانیه‌ای است که او با عصبانیت از چیزی که آن را «استبداد سکولار» می‌نامد، حرف می‌زند و می‌گوید عده‌ای از او می‌خواهند اصلاً اسم دین را نیاوردند و معلوم نیست اگر اینها در ایران به قدرت رسیدند، چه بر سر دینداران می‌آوردند! موضوع مطلب ملکیان، مقایسه بین دین و معنویت است که ایشان بر سبیل شیوه معمول خود، مقایسه‌های به دست داده است که برای آن دسته از جوانان و نودانشجویان که گاهی به نونوشی هم فکر می‌کنند، موجب جذابیت معنویت است و در مقابل، این مقایسه دین را دگرگون و سخت و گاهی بی‌منطق معرفی می‌کند.

سروش در آن فایل صوتی که جهانی عبرت در آن نهفته است، می‌گوید: «در این جامعه خراج از یک کشور، هر وقت شما دین را آورید، یک عده‌ای یک جوری شدند! آقا جان! بنده عقیده دارم. من ۶۰ سال با این اعتقاد زندگی کردم. حاضر هم هستم دربار‌ها سخن فرسایم کنم. گوش شما را نمی‌آزارد و من به اندازه خودم حق دارم بگویم من کی‌ام و چی فکر می‌کنم. چند تا هم همفکر دارم، وقتی دور هم جمع می‌شویم باید بگوییم ما اینیم! قائم کنیم؟ شرمند باشیم؟ خجالت بکشیم، چرا؟! و چرا دیگران اصرار دارند که این اسم (دین) را نیاورید؟! این موجود است، حق، این واقعیت دارد. از نظر بنده شرافت هم دارد. من تعجب می‌کنم، یک عده‌ای استبداد سکولار بنا کرده‌اند! از همین حالا هم بنا کرده‌اند! اصلاً می‌گویند اسم دین را نیاورید! فردا اگر به قدرت برسند، نمی‌دانم چه بلایی سر ما خواهند آورد!»

اما ملکیان نیز در مقایسه دین و معنویت آورده است: «دین درباره خود دعوی صدق انحصاری دارد. معمولاً انسان‌هایی را که متدین به سایر ادیانند دعوت به تغییر دین می‌کند. بیشتر به خدای مشخص و انسان‌وار قائل است. بیشتر معطوف به بیرون از خود است. بیشتر معطوف به سعادت آتی و آن جهانی است. مبتنی بر ایمان و تعبد است. معمولاً فاقد جنبه استوره‌های نیست. بیشتر خواهان این است که شخص کاملاً به معنویت، اخلاقیات و عبادیات خاصی التزام ورزد و از آنها عدول نکند. خطایش متوجه همه انسان‌هاست. دارای طبقاتی به نام روحانیت است که وظایف و امتیازات خاص خود را دارند.

اما معنویت، درباره هیچ دینی دعوی صدق انحصاری ندارد، بلکه هر دینی را تجربه معنوی‌ای می‌داند که از سایر تجارب معنوی بی‌نیاز نیست. هیچ کسسی را دعوت به تغییر دین نمی‌کند، بلکه از هر کسی می‌خواهد که واقعاً ملتزم به دین خود باشد. به خدای غیر مشخص و انانسان‌وار قائل است. کاملاً معطوف به درون خود است و با ساحت و جودیت سروکار دارد. کاملاً معطوف به سعادت کنونی و این جهانی است، در عین اینکه متکرر زندگی پس از مرگ نیست به تعبیری، سعادت آجل را اولیله و بلکه رویه دیگر سعادت عاجل می‌داند. همه چیز را به همین جا منتقل می‌کند و از این‌رو، از مومن‌پذیر است و تعبدی نیست. به هیچ منبئی ایمان و تعبد نمی‌ورزد، بلکه همه احکام و تعالیم را به بوته آزادی شخصی می‌گذارد.

نگاهی به ۲ مطلب اخیر گذرگاه‌های شخصی سروش و ملکیان استبداد سکولار و روشنفکران دینی

به هیچ وجه، جنبه استوره‌های ندارد. یکسره خواهان حصول تجربه شهودی و بی‌واسطه عالم واقع است. از این‌رو برای معتقدات، اخلاقیات، مناسک و شعائر فقط تا آنجا ارزش قائل است که به حصول آن تجربه بینجامد. خطایش فقط متوجه انسان‌هایی است که استعداد و قابلیت سیر و سلوک دارند. در عین حال که می‌کوشد حتی المقدور انسان‌ها را به این استعداد و قابلیت برساند. از آنها می‌خواهد که نمی‌توانند اهل سیر و سلوک باشند می‌خواهد بر اساس «هر چه بر خود انحصاری بودن، معطوف بودن، معطوف به آینده انسان‌ها». دارای روحانیت نیست. انسانیت معنوی طبقاتی را تشکیل نمی‌دهند و امتیازات خاصی ندارند.»

ملکیان ظاهراً هیچ قضویتی غیر از یک مقایسه ساده ندارد اما واژه‌هایی که در ویژگی‌های در استفاده کرده است، مثل انحصاری بودن، معطوف به بیرون بودن، معطوف به جامعه بودن (در واقع فایده‌ای برای زمان حال نداشتن)، التزام آور بودن به احکام و عبادیات و امتیاز خاص روحانیت، نمایی سختگیرانه و گاهی بی‌منطق از دین به نمایش می‌گذارد و در مقابل، دریچه‌ای از بهشت معنویت مقابل مخاطب این سخن می‌گشاید که جملات آن یا «هیج»، «به هیچ وجه» و «به هیچ منبئی» درباره سختگیری‌ها شروع می‌شود و وعده‌هایی به شنونده می‌دهد مثل آن‌قدر پذیر بودن و درونی بودن (به تعبیری کاری به کسسی نداشتن و کسبی را تو کاری نداشتن!) و معطوف به سعادت زندگی کنونی بودن (به تعبیری برنامه داشتن برای زندگی دنیایی و لذت بردن از زندگی).

اگرچه اینجا همه نظر ایشان است و در میان حتی روشنفکران دینی به طور کامل مورد پذیرش نیست و شکل ارائه این مقایسه نیز هم‌انگیز و چالش‌برانگیز است اما برای برخی جوانان جذابیت‌های خود را دارد که با آن ترجیح می‌دهند یک زندگی معنوی داشته باشند تا یک زندگی دنیایی! بی‌آنکه بداند دین غیر از معنویت نیست و این مقایسه‌ها و جداسازی‌ها در عمل به کار کسسی که می‌خواهد زندگی معنوی داشته باشد، نمی‌آید و دیگر اینکه یک مقایسه جهت‌دار است و ذکر برخی از ویژگی‌های «معنویت متمایز از دین»، شاید سهواً فراموش شده است، مثل بازاری بودن برخی انواع مکاتب معنوی که همچون کالاها که در شنبه بازارها خرید و فروش می‌شود، نه سابقه و عمق و ریشه‌ای دارد و نه انسان را در برابر اصلی‌ترین پرسش‌های او که پرسش‌های عمیقی است، یاری رسانده‌اند. رواج همین دیدگاه درباره معنویت و مقایسه آن با دین موجب ظهور عرفان‌های کوچه‌بازاری شده است که جامعه را در برابر عمیق‌ترین پرسش‌ها خلع سلاح می‌کند. چرا در جامعه کنونی سخن گفتن از معاد به عنوان چالش اصلی انسان در طول تمام تاریخ تا به این حد سخت شده است؟ چون کسانی در مقایسه معنویت و دین، معنویت را کاملاً معطوف به سعادت کنونی و این جهانی معرفی کرده‌اند، گوئی که دین برای زندگی دنیایی یکسره شقاوت و بدبختی آرزو کرده است!

چرا با برخی جوانان جامعه کنونی سخن گفتن درباره اینکه «از کجا آمده‌ام» هم به همان اندازه «به کجا می‌روم آخر» دشوار شده است؟ چون در معنویت، نیازی نیست که بدانی از کجا آمده‌ای و چه فرقی می‌کند که تو چه کسسی بوده‌ای و برای چه آمده‌ای، خودت برای خودت برنامه سعادت و بهروزی تنظیم و اجرا می‌کنی و خوشبخت می‌شوی.

چنین جامع‌های معلوم است که بر سر روشنفکران دینی خود فریاد برآورد که «از دین صحبت نکرا!» و ترسی عمیق در وجود روشنفکر خود بیفکند که فردا روزی اگر این سکولارها به قدرت سیاسی برسند، چه استبدادی بر پا خواهند کرد. جامع‌های که در آن، معنویت را چنین خوش فرم، آسان گیر و ظاهراً معطوف به همه رفتارهای خوب و منطقی معرفی کنی، دیگر از روشنفکر دینی خود نمی‌پذیرد که «دین شرافت دارد.» و در روز محالی که این جامعه سکولار به قدرت برسد، ابتداء رایش روشنفکر دینی را می‌تراشد تا در آن جامعه سکولار، انسان تر دین را یاد برود.

چنین است که بین دو مطلب اخیر گذرگاه‌های شخصی ملکیان و سروش، رابطه‌های اصولی می‌بینیم. صحبت‌های سروش را نباید دست کم گرفت. این چند جمله بسیار عمیق است. او را می‌تواند کسی که سکولارها - که در جامعه دینی آزادانه حرف می‌زنند و به شیوه خود عمل می‌کنند - اگر به قدرت برسند، استبداد سکولار ایجاد کنند. معتقدم سروش باید از خود بپرسد «سکولارها در من چه دیده‌اند و چه ظریفی کشف کرده‌اند که از من - که برای دین شرافت قائلم - می‌خواهند از دین صحبت نکنم؟!»

چگونه می‌توان از سکولاریسم و استبداد سکولار هراسید اما به لیبرالیسم رسید؟! امروز کسسی منادی لیبرالیسم است و ویژگی لیبرالیسم را جایگزین کردن پارادایم حق به جای پارادایم وظیفه می‌داند، چگونه بدون عبور از گذرگاه سکولاریسم به این نقطه رسیده است؟

نگارنده به عنوان مستمع اکثر سخنرانی‌های ملکیان و سروش، شاهد هم که برخی مخاطبان در پایان سخنرانی‌ها که نوبت به پرسش می‌رسد، گاهی چنین پرسش‌هایی می‌کنند و حتی گاهی سؤال می‌کنند چرا نماز می‌خوانید؟! و چرا نماز بخوانیم؟! حتماً خود این اساتید در دل به ایشان می‌گویند «عوضی گرفته‌اید!» اما آن مستمع زبان بسته فکر می‌کند «درست گرفته است!» مثلاً گمان می‌کند شیوه مواجهه ایشان با نظام اسلامی ایران، یعنی اینکه می‌تواند بر سر دین آنان هم فریاد برزند!

در یکی از همین سخنرانی‌ها، مستمع که پیرمردی ساکن امریکا است، خطاب به سروش که اشارت‌های به سوره توحید دارد، می‌گوید: «من تا به حال این را نمی‌دانستم و اصلاً چه ضرورتی دارد به خواندن اینها با زبان عربی؟» و سروش با ناراحتی به او می‌گوید شما هر روز در حمام دوش می‌گیرید که ۲۰ دقیقه طول می‌کشد، اگر نصف زمان یک دوش گرفتن را یک بار وقت بگذارید برای همیشه خواندن عربی این سوره را حفظ می‌کنید.

من هم معتقدم که مخاطبان برخی روشنفکران دینی ما، ایشان را عوضی گرفته‌اند که فریاد می‌زنند برای چه از دین حرف می‌زنید، اما معتقدم چیزی در سخنان ایشان باقی‌مانده است که به این طمع افتاده‌اند. اگر معنویت را خوش و آسان و دین را ناخوش و سخت معرفی کردید و یا به گونه‌ای سخن گفتید که مخاطب گمان کند که آنچیز دیگری تاکنون درباره دین گفته‌اند و هم‌اکنون می‌گویند، بافته‌های ذهنی آنان است و اصل دین چیز دیگری است که هر کس باید با تجربه شخصی به آن برسد، باید منتظر فریاد سکولارها هم باشید، هرچند اطمینان می‌دهیم که آنان به قدرت سیاسی نخواهند رسید که بخواهند با «استبداد سکولار» بلایی بر سر شما بیاورند.

پایداری صغری خیل فرهنگ

یک پا و کمر مشکل داشت، آن پای می‌هم که داشت

۸۰ ترکش در آن بود، سنگ سیور ز مننده‌ها بود، استاد اخلاق بر ایمان بود، بزرگ طایفه بود، خلاصه همه چیز ما بود که رفت.»
اینها صحبت‌های برادر جانباز شهید حاج حسین منجری است که در حادثه تروریستی ۳۱ شهریورماه اسامی در اهواز به شهادت رسید حاج حسن منجری برادر شهید به «حیوان» گفت: ما در خانواده دهمان دو جانباز داریم، یک دوره‌ای ما هر سه برادر، همزمان در جبهه بودیم، حاج حسین در عملیات‌های الفجر مقدسی و خیبر حضور داشت و بعد از آن به عضویت رسمی سپاه در آمد. در عملیات والفجر ۸ حاج حسین جانباز شد. گلوله مستقیم به وی اصابت کرد، چهار ماه در بیمارستان بستری بود، دست راستش از آرنج و پای راستش از زانو قطع شد. وی درباره خصوصیات اخلاقی برادر شهیدش گفت: نمی‌دانم می‌گذاشتند. مثلاً کسی بود که در موردی اصلاً خانواده‌ای و قومی هم همه به نظر ایشان احترام می‌گذاشتند. کسسی بود که در موردی اصلاً حاضر به اعلام رضایت نبود اما وقتی حاج حسین رفت و از او خواست تا رضایت دهد دست حاج حسین را بوسید و گفت به خاطر شما می‌بخشم و اعلام رضایت کرد، بین اقوام هم همینطور، همیشه نقش میانجی را داشت. می‌دانید در خوزستان گاهی

گفت و گوی «حیوان» با حسن منجری برادر جانباز شهید حادثه تروریستی حسین منجری کودک چهار ساله و جانباز ویلچری به کدامین گناه کشته شدند

دفتر محل کارم رفتم که دختر بزرگ حاج حسین تلفن کرد و با گرچه گفت که پدرش امروز در مراسم رژه نیروهای مسلح اهواز بوده و می‌گویند در آنجا تیراندازی شده، ما هر چه به بابا رنگ می‌زنیم جواب نمی‌دهد، وقتی فهمیدم حاج حسین به شهادت رسیده، اولین نفری بودم که بیگر مطهرش را دیدم، یک گلوله به گلویش اصابت کرده و یکی دیگر به سینه و قلبش خورد بود. وی افزود حاج حسین مطلوب استه شهید شد، ابوالفضل گونه زندگی کرد و ابوالفضل گونه به شهادت رسید. اتفاقاً هنگامی که ترویرست‌ها شروع به تیراندازی کردند، مسئول امور ایثارگران سیاه خوزستان خودش را به حاج حسین می‌رساند و مقابلش می‌ایستد تا جان او را حفظ کند که گلوله تروریست‌ها به او هم اصابت می‌کند، هم خودش و هم حاج حسین به شهادت می‌رسند.

منجری در باره پیامدهای حادثه اهواز گفت: نمی‌دانم کودک چهار ساله چه گناهی داشت که در این حادثه کشته شد، بی جانبازی که نمی‌توانست راه برود چه گناهی داشت که باید هدف گلوله قرار بگیرد، ما هشت سال در مقابل دشمنان خارجی جنگیدیم، بیش از ۳۰ کشور از صدام حمایت می‌کردند اما هیچ غلطی نداشتند بکنند، امریکا هم هیچ غلطی نداشت و نمی‌تواند بکند، ما می‌گوییم پیرو ولایتیم، می‌گوییم آل سعود، امریکا، اسرائیل و امارات هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند، هر چه از ما بکشند ما قوی‌تر و مصمم‌تر می‌شویم. این انقلاب با خون شهدا آبیاری می‌شود و بی‌شده می‌شود، دشمنان کور خوانده‌اند تا جان داریم از دین و نظام و کشورمان حمایت می‌کنیم.

مشروح این گفت و گو در روزهای آینده در صفحه ایثار و مقاومت روزنامه جوان منتشر می‌شود.



بین اقوام مختلف اختلافاتی رخ می‌دهد که حاج حسین نقش شیخ و بزرگ اقوام را ایفا می‌کرد و معتمد همه بود. حاج حسین سه دوره عضو شورای روستا، رئیس شورای بخش و نماینده شورای بخش می‌گذاشتند. کسسی بود که در موردی اصلاً حاضر به اعلام رضایت نبود اما وقتی حاج حسین رفت و از او خواست تا رضایت دهد دست حاج حسین را بوسید و گفت به خاطر شما می‌بخشم و اعلام رضایت کرد، بین اقوام هم همینطور، همیشه نقش میانجی را داشت. می‌دانید در خوزستان گاهی

بین اقوام مختلف اختلافاتی رخ می‌دهد که حاج حسین نقش شیخ و بزرگ اقوام را ایفا می‌کرد و معتمد همه بود. حاج حسین سه دوره عضو شورای روستا، رئیس شورای بخش و نماینده شورای بخش می‌گذاشتند. مثلاً کسی بود که در موردی اصلاً حاضر به اعلام رضایت نبود اما وقتی حاج حسین رفت و از او خواست تا رضایت دهد دست حاج حسین را بوسید و گفت به خاطر شما می‌بخشم و اعلام رضایت کرد، بین اقوام هم همینطور، همیشه نقش میانجی را داشت. می‌دانید در خوزستان گاهی

۲۵ مدرسه «برکت» در خوزستان به نام شهدای تروریستی اهواز نامگذاری می‌شود

که انجام دادیم ما در حال حاضر هیچ گونه فعالیت اقتصادی نداریم و کارهایی که در مناطق محروم صورت گرفته با روحیه غیرمناذگاری انجام شده و تمام درآمدها نیز در خدمت کمک به محرومین صرف شده است.

رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام گفت: از بین ۱۱۰ مدرسه‌ای که به بهره‌برداری رسید ۲۵ مدرسه به نام شهدای حادثه تروریستی اهواز نامگذاری خواهند شد. وی بزرگ‌ترین معضل امروزه کشور را موضوع بیکاری دانست و عنوان کرد: یک بسیج عمومی و جدی برای ریشه‌کن کردن بی‌بکاری لازم است ما باید اقتصاد را به دست مردم بدهیم و مردم و همچنین مناطق محروم توجیه داد. کمک سپردیم شاهد پیشرفت بودیم. مخبر افزود: ما در ستاد اجرایی این آمادگی را داریم که تمام کارها را به بخش خصوصی واگذار کنیم و با تلاش‌های صورت گرفته امروزه بیش از ۵۰۰ هزار نفر بیکار داریم.



امام خاطرنشان کرد: توسط ستاد اجرایی تاکنون ۴۰۰ هزار شغل در مناطق محروم سراسر کشور ایجاد شده است و این نهضت ادامه خواهد یافت. وی با اشاره به سایر خدمات ارائه شده توسط ستاد اجرایی به مردم و همچنین مناطق محروم توضیح داد: کمک به شبنوایی کودکان، توزیع جهیزیه و لوازم التحریر داخلی از جمله این خدمات به شمار می‌رود. مخبر افزود: امروز در ستاد اجرایی هیچ کاری به جز رفع محرومیت صورت نمی‌گیرد و با برنامه‌ریزی

ایران از بین ۱۱۰ مدرسه احداث شده توسط

بنیاد برکت که روز گذشته در استان خوزستان به بهره‌برداری رسید ۲۵ مدرسه به نام شهدای حادثه تروریستی اهواز نامگذاری خواهند شد. رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام در مراسم آیین بهره‌برداری از ۱۱۰ مدرسه احداث شده توسط بنیاد برکت در مناطق محروم گفت: اشتغال محور توسعه کشور است که اگر وضعیت اقتصادی مردم خوب باشد خودشان برای آبدانی کشور دست به کار می‌شوند. وی افزود: ما روزانه گزارش‌های ایجاد اشتغال را از سراسر کشور دریافت می‌کنیم و مکاتیب‌های مختلفی در این زمینه تهیه و تدوین شده است. وی ادامه داد: ایجاد مؤسسات دانش‌بنیان یکی از اقدامات ما برای ایجاد اشتغال بوده است امروزه این مؤسسات به عنوان محوره‌های پشتیبانی دانشگاه‌ها عمل می‌کند. رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت